



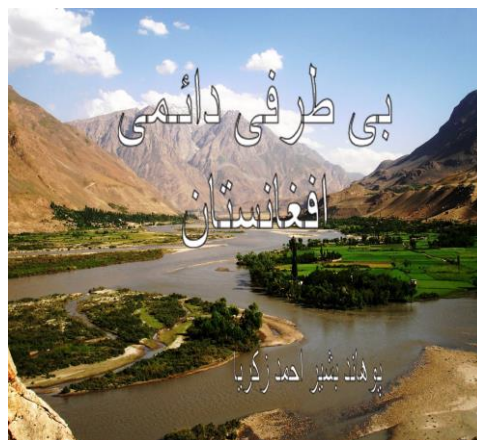
<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۲/۲۴

داکتر بشیر احمد زکریا

بی طرفی دائمی افغانستان : رساله تحقیقی



پوهاند بشیر احمد زکریا

ترجمه : رحمت آریا

قسمت ششم

ساختن یک ملت

در اینجا می‌خواهم توجه تانرا به فصل دوم این رساله برگردانم که در باره معایر بی طرفی دائمی بود، و توجه تانرا عمدتاً به معیار اول بر می گردانم که اولین معیار برای بی طرفی دائمی افغانستان بود [قبلاً ذکر شده مراجعه کنید به شماره ۵] «ما مردم» افغانستان باید نخست با بستن پنج انگشت یک دست، یک مشت واحد و متحد شویم! بدین ملحوظ تمام اقوام مسکون در ۳۴ ولایات کشور بشمول مجتمعات قومی، هر گروپ مذهبی و سائر اقلیت ها باید بدون استثناء متحد شویم. ما باید به دور یک مفهوم کلی «ملت واحد غیر قابل انقسام»، یک بیرق و یک کشور واحد و یک پارچه در چهارچوب سرحدات تاریخی و شناخته شده خود متحد شویم، و باصدای بلند هویت خود را منحنیث یک ملت انقسام ناپذیر تحت سایه تحفظ خداوند ج اعلان کنیم. "ما ملت متحد هستیم، اگر انقسام یافتیم بزرگترین اشتباه تاریخی را مرتکب خواهیم شد!"

چه چیزی ملت را می سازد؟

پاول جمیز Paul James در کتاب خود، «ملت سازی: بسوی تئوری اجتماع غامض: Nation Formation: Towards a Theory of Abstract Community؛ منتشره سال ۱۹۹۶م استدلال می کند که، «ملت و نشنلیزم دو موضوع جداگانه کم – نظریه - پردازی شده و سو تعبیر شده در جهان معاصر اند.»^[۱] همین باید ما را هشدار بدهد، با وجود آنکه دانشمندان جهان سیاست شاید در جستجوی تئوری ای باشند تا بزبان ساده بگویند که ملت چیست، ولی من منحنیث یک ساینسدان می‌خواهم بگویم که ساده سازی ساینسی «همچنانیکه آینشتاین گفته است، "هر چیز باید تا حد امکان ساده شود ولی نه ساده تر."»^[۲] همین نکته با میتود ساینسی خیلی موافق است بخصوص با فزیک نظری، مگر کلمه "ولی" آینشتاین Einstein [۲۸] بما می گوید که ما نباید هر چیز را بالاتر از امکانات فزیکی آن ساده تر بسازیم.

گدامر Gadamer در کتاب خود «واقعیت و میتود»، بصورت اساسی استدلال میکند که «علوم اجتماعی 'یعنی' علوم سیاسی به میتودولوژی ساینتیفیک تسلیم نمی شود بنابرین، "علوم بشری.... فلسفه هنر و تاریخ.... همه و همه چنان میتود های تجربوی اند که در آن واقعیت منتقل شده نوعی از واقعیتی است که نمی تواند بوسیله شیوه های میتودولوژیکی درست و حسابی ساینس به اثبات برسند.»^[۳]

^۱ - James, Paul. Nation Formation: Towards a Theory of Abstract Community: Sage Publication, Social Science: ۲۵۶ pp. ۱۹۹۶. He discusses the concept of 'Nation' the strength and weaknesses of their theoretical contributions of such men as Marx, Durkheim, Weber, Gellner, and Giddens

^۲ - Einstein, Albert. From Nobel Lectures, Physics ۱۹۰۱-۱۹۲۱. Albert Einstein's Biography: Amsterdam Elsevier Publishing Co. ۱۹۶۷. Chapter 'Perennial Universalists: Albert Einstein. One Home, One Family, One Future; Author House. Bloomington, Indiana: pp ۹۳ & ۹۸, ۲۰۱۰.

^۳ - Gadamer, Hans-Georg. TRUTH and METHOD; Continuum Publishing Group: Printed and bound in Great Britain: p. xx. ۱۹۷۵, ۱۹۸۹, this edition ۲۰۰۴.

بنابر این اجازه بدهید تا برداشت خود را که "ملت"، "نشنلیزم" و "ملت سازی" چیست با شما در میان بگذارم و همچنان شرح کوتاه این مصطلحات را منحصراً تعریف در این مبحث می پذیریم.

ملت: مجموعه از انسانهاست که با هم :

الف) به روی یک کتله زمین که سرحدات آن «خواه از لحاظ تاریخی و خواه سیاسی معین» شده باشند زندگی کنند، ب) تاریخ مشترک، فرهنگ عمومی مشترک، اتکای متقابل اجتماعی- تجارتي - سیاسی و عنعنات مشترک داشته و یک سمبول مشترک بر بیرق ملی ملت خود و یا علامت ملی و قهرمانان مشترک ملی و هویت فراتر از هویت فامیل، اجتماع و قوم و فرهنگ ولایتی داشته باشد. **ملت** متمایز از یک گروه مردم است، خیلی غامض است و اکثر اوقات در تناسب با یک گروه قومی، بصورت واضح و آشکار سیاسی می باشد.

نشنلیزم: یک آیدئالوژی است که نمایانگر تعهد، وفاداری و اخلاص یکی نسبت به دولت - ملت است که بر منافع گروه دیگر رجحان پذیر است. نشنلیزم نازی متکی بر برتری نژاد آریین توأم با « Deutschland Uber Alles Doctrine » نظریه (برتر از همه - ملت - دولت ها) بود. در قرن هجدهم ظهور پروس از میان کنفدراسیون جرمن به مودل رسمی سائر ملت های اروپا مبدل گشت تا همراه با بهره برداری فزاینده از نظریات ماکیاوولی «à la Machiavelli» آنرا سرمشق قرار دهند.

دولت ملی: عبارت از ساختن یک ملت از یک نژاد مشخص و یا گروه قومی بوسیله یک یا چند کشور خارجی از هر طریق ممکنه و همه وسایل موجود بشمول نیرو و یا اجبار و قوه قهریه، بوسیله دکتورین اقتصادی، هم مانند سازی فرهنگی، آیدئالوژی سیاسی و یا اندیش پایه مذهبی، منحصراً یک پروسه خارجی. [ملت سازی]

{Nation-Building}

دولت ملی: ایجاد ملتی متشکل از چندین گروه «اقوام و یا فرقه ها» از عین قومیت بوسیله ساختار حاکم «حکومت» از راه قدرتهای رهبرانی که نیروی حاکم نظامی دارند و منحصراً یک پروسه داخلی ایجاد شود. [ملت

{Nation-Making} [پروری]

مملکت: دلالت بر کتله ارضی می کند که مردم در آن امرار معیشت می کنند «سواحل، شبه جزیره، جزیره و یا محاط به خشکه». همچنان دلالت بر دولت مستقل و یا سائر هستی های سیاسی «قلمرو ها» میکند.

ملت سازی: دلالت بر انکشاف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با مؤسسات دفاع از حقوق بشر میکند و تأمین کننده تطبیق قانون است و نه تنها برای ایجاد صلح بعد از جنگ بوسیله یک پروسه خارجی/ **ملت سازی External Process/Nation-Building** شایان اهمیت است بلکه به **ملت سازی** در هر مرحله انکشاف و یا هر مرحله تصادمات جنگی در بین یک ملت منحصراً یک پروسه داخلی/ **ملت پروری Internal**

Process/Nation Building حائز اهمیت است.^[۴]

^۴ - Dobbins, James, Seth G. Jones, Keith Crane, and Beth Cole DeGrasse. ۲۰۰۷. *The Beginner's Guide to Nation-Building*. Santa Monica, Calif.: RAND Corporation.

یادداشت مترجم : محض بخاطر احتیاط و حفظ تفاوت ظاهری میان کلمات «ملت سازی» و «ملت پروری» من کلمه «ملت پروری» را انتخاب کردم. از دوستان دانشمند متمنی ام تا اگر نه توانسته باشم موجب اقناع شان را فراهم سازم این لغزشم را به دیده اغماض بنگرند.

دولت سازی : یکده تئوریسن های علوم سیاسی باورمند اند که دولت سازی به اقدامی اطلاق میگردد که بوسیله کشور های خارجی به مقصد اعمار و یا اعمار مجدد مؤسسات دولت خیلی ضعیف، یا بعد از جنگ و یا دولت ناکام رویدست گرفته میشود.^[۵]، ^[۶]

قابل یاد آوریست که «ملت سازی Nation-Making» و «ملت پروری Nation-Building» نباید با هم مغالطه گردند زیرا بعضی از اهداف سازندگان یک ملت «ملت سازی منحیث پروسه خارجی» از اهداف پرورشگران یک ملت «ملت پروری منحیث یک پروسه داخلی» الهام می گیرند.

کتاب کلاسیک «مبادی رهنمای ملت سازی The Beginner's Guide to Nation Building» حائز اهمیت فراوان است، من بخاطر اهمیت این کتاب میخواهم توجه تانرا به آن تعداد نکات برجسته این کتاب جلب کنم که مربوط به بحث ماست. این کتاب پالیسی های بازسازی برای یک ملت را در دوران بعد از جنگ یا در جریان جنگ تشریح میکند. مشروح این کتاب مبتنی بر عملیاتی است که ایالات متحده امریکا، اروپا، سازمان ملل متحد و یا سایر دول و یا سازمانها طی شصت سال اخیر پیاده کرده اند. موارد مهمی را که این کتاب تشخیص نموده عبارتند از، (۱) نظامی، (۲) سیاسی، (۳) تطبیق قانون، (۴) کمک های بشری، (۵) دولرداری، (۶) ثبات اقتصادی، (۷) دیموکراتیزه کردن و (۸) انکشاف. کتاب بر تکرار چنین عملیات تأکید دارد چنانچه سازمان ملل متحد طی سالهای جنگ سرد در هر چهار سال یکبار مأموریت حفظ صلح را براه انداخته است و ایالات متحده امریکا طی هر دهه یکبار چنین مأموریتی را رویدست گرفته است، ولی بعد از ختم جنگ سرد «بعد از جنگ» مأموریت های سازمان ملل متحد به هر ششماه یکبار افزایش یافته و از ایالات متحده امریکا یک مأموریت در هر دو سال بوقوع پیوسته است! همچنان کتاب به این نکته اشاره دارد که عملیات ملت سازی یا «اختیار اشتراک در برابر تقسیم مجدد Co-Option» است یعنی کار با نیرو های موجوده اجتماعی و مراکز قدرت بخاطر جهت دهی رقابت جاری برای کسب قدرت و ثروت از تشدد به چینل های صلح آمیز است (مثال : سازمان ملل متحد در سانسلودور در سالهای ۱۹۹۰م) و یا هم کالبد شکافی کردن: یعنی اول ساختار موجوده دولتی را از هم باز کردن و اوراق اوراق ساختن و جای آنرا به ساختار جدید دادن است که در این جریان یک عده عناصر مشخص جامعه را از قدرت بر انداخته شده و جای آن را به قدرتمندان نو ظهور می سپارند (مثال : در سال ۱۹۴۰م اشغال جرمنی توسط امریکا). ارزیابی مجموعی مؤلف کتاب از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷م آنست که این

^۵ - Darden, Keith; Mylonas, Harris (۱ March ۲۰۱۲). "The Promethean Dilemma: Third-party State-building in Occupied Territories". *Ethnopolitics*. ۱۱ (۱): ۸۵-۹۳.

^۶ - Ditto. Dobbins, J. et al. The Beginner's Guide to Nation-Building.

مأموریت‌ها بخاطری مأموریت‌های **نسلی** اند که پیچیدگی آن بعلت تکامل تدریجی آن ایجاب وقت زیاد را میکند. همین اکنون آنها به معیت چهل کشور دیگر علی الرغم تلفات جانی و گنج و سرمایه در عراق و افغانستان باز هم با احتیاط خوشبینانه قانع اند.^[۷]

در این اواخر اندریاس ویمِر Andreas Wimmer از پوهنتون کولمبیا مقاله نوشته معنون به «ملت سازی : چرا یک‌کده کشورها موفق به استحکام و یکپارچگی میشوند و چرا عده دیگر فرو می‌ریزند» که اختصار آن برای بحث کنونی ما لازمی به نظر میرسد. "اند ریاس ویمِر آن عده از نیروهای کُند رو را بررسی کرده که ائتلافهای سیاسی را در گستره فرا قومی و ایجاد وحدت ملی تشویق و ترغیب میکند. تیوری **ملت سازی** ویمِر متمرکز بر نیروهای کند رو است و به قول وی پروسه‌های نسلی اند : توسعه سازمان‌های جامعه مدنی، تجانس زبانی، و ظرفیت دولت‌ها بخاطر کالای اجتماعی، و خاطر نشان میسازد که تفاوت میان چین و روسیه دلالت بر آن می‌کند که چگونه فضای مشترک زبانی می‌تواند در تشکیل ائتلافات سیاسی فرا قومی ممد واقع میشوند. بعد ویمِر به اساس تحلیل ارقام احصائیوی از میان مجموعه‌های معلومات با مقیاس خیلی وسیع اظهار می‌کند که این میکانیزم‌ها در سرتاسر جهان مؤثر اند و **ملت سازی** را از استدلال‌های متضاد مانند حکومت داری دیموکراتیک و یا مواریث استعماری بهتر تر توضیح میکند. همچنان ویمِر نشان می‌دهد که ائتلافات سیاسی راه میان بُر را از میان تقسیمات قومی می‌پیماید؛ زمانیکه اکثریت کتله‌های قومی در مقامهای بلند حکومت نماینده داشته باشند، عوام الناس هویت خود را در آئینه ملت و سمبول‌های آن می‌بیند و بدین ترتیب ریشه‌های وفاق ملی سیاسی بمراتب بیشتر عمیقتر شده میرود." ^[۸] ویمِر بر مراحل دراز مدت تحرک کند رو تأکید دارد، ولی در برابر پیامدها آن بخاطر سازمان، رهبری و پالیسی آن حساس است. برداشت عمده‌ایکه از آن بدست می‌آید آنست که هویت ملی تنها محصول هماهنگی قومی نه بلکه مشمول فراهمی سرجمع کالای عامه است. «نوشتۀ ذنی رودریک، پوهنتون هاردود Dani Rodrik, Harvard University». (ای یون AEON) یک سازمان خیریه راجستر شده است که متعهد به اشاعت علم و جهان بینی جهان – شهری است، می‌گوید، "ملت سازی به معنی دقیق کلمه فرا تر از آن است که محض منحصر به کشور مستقل با داشتن بیرق، سرود ملی و اردو باشد. یکتعداد از کشور‌های باستان «مانند بلجیم» تا حال متفقاً یک ملت نه شده اند حال آنکه دولتهای جدیدالتأسیس «مانند هندوستان» به این امر نایل آمده اند. سکه ملت سازی دو رو دارد : ۱) گسترش ائتلاف‌های سیاسی در پهنای ارضی یک کشور، و ۲) ارتباط و وفاداری به مؤسسات دولت، جدا از مؤسسات حکومتی/ایکه که کنون در قدرت اند" در ملت سازی اولین نکته مهم آن بُعد **اتحاد سیاسی** است و دومین بُعد آن **هویت سیاسی** است. برای ترویج هر دو بُعد استحکام روابط سیاسی بین اتباع کشور و دولت باید فراتر از تقسیمات قومی رسیده بتواند. همچنان همه دانشمندان، نخبه گان سیاسی و افراد متوسط و سر انجام تمام اتباع کشور باید خود را بدون در نظر گرفتن نژاد یا قومیت شان اعضای متساوی الحقوق در آئینه مجمع ملت ببینند.

^۷ - Ditto. Dobbins, J. et al. The Beginner's Guide to Nation-Building.

^۸ - Wimmer, Andreas. Nation Building: Why Some Countries Come Together While Others Fall Apart; Princeton University Press, Princeton, USA: ۳۷۶pp. ۲۰۱۸.

اکثریت پالیسی سازان در ایالات متحده امریکا ملت سازی را معادل دیموکراتیزه کردن می شمارند. آنها حقاً به این باور اند که بهترین ابزار برای تحقق هماهنگی سیاسی دیموکراسی است. به نظر میرسد که دیموکراسی الزاماً ملت سازی نمیکند بلکه ملت ها اند که ملت سازی میکنند، ملت هائیکه پیش از پیش ساخته شده اند دیر یا زود است که از همین نقطه به دیموکراسی گذار خواهند نمود. یک بنیاد سیاسی ثابت و پایدار و زبانهای پذیرفته شده، پروسه ملت سازی را ساده تر می سازد. آنها می پذیرند که اگر شرایط محلی موجب – آور نباشند، ملت سازی از خارج، قریب به ناممکنات است.^[۹]

پایان قسمت ششم



^۹ - Alesino, A, (Harvard) Reich, B, (University College London). Nation Building. <https://scholar.harvard.edu> ۲۰۱۵